بازرگانی: پژوهشی درباره: منطقه ها و سرزمین های آزاد (نگرشی بر عملکرد منطقه های آزاد جهان)

امینی، امیر هوشنگ

کلیات:

عمده‏ترین ویژگی اقتصاد بین الملل و به بیانی اقتصاد جهانی در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم،به‏ویژه در چهار دههء گذشته در آنست که رشد و توسعهء اقتصاد جهانی در مقیاسی بیش از تصور و پیش‏ بینی حتی خوش‏بین‏ترین اقتصاددانان‏ جهان بوده است.نکته درخور توجه این‏ که در این دوره رشد و توسعه بازرگانی‏ بین المللی به مراتب بیشتر از رشد اقتصادی در گذشته بوده است.زیرا بر اساس آمار و ارقام منتشره از سوی‏ سازمان‏های بین المللی،مشاهده می‏شود که میزان صادرات جهانی در دههء گذشته‏ به حدود 60 برابر افزایش یافته است. یعنی از حدود 52 میلیارد دلار در سال‏ 1948،سال اجرای‏"موافقت‏نامه عمومی‏ تعرفه گمرکی و تجارت‏"(گات)به 3000 میلیارد دلار در سال 1989 و 4/3649 میلیارد دلار در سال 1993 بالغ شده است، لذا ملاحظه می‏شود که طبق اعلام رسمی‏ سازمان‏های بین المللی در دههء گذشته‏ رشد بازرگانی جهانی به مراتب بیش‏از رشد اقتصاد یا تولید ناخالص جهان بوده‏ است.

به کوتاه سخن در آستانه قرن بیست و یکم،بازرگانی بین المللی یکی از عمده‏ترین‏ عوامل اقتصادی شناخته شده و به بیانی‏ در آینده موجودیت قدرت‏های فائق و رهبری کننده جهان به‏گونه‏ای غیرقابل‏ تصور و بیش از هر زمان به آن وابسته‏ خواهد بود.

براساس بررسی درخور توجهی که از سوی بانک جهانی در خصوص منطقه‏های‏ پردازش صادرات به عمل آمده است و در سال 1371 انتشار یافته ملاحظه می‏شود که در سال 1988 صادرات دست کم 86 منطقه،در 27 کشور درحال توسعه بالغ بر حدود 11 تا 13 میلیارد دلار و یا کمی‏ بیشتر بوده است.

موفقیت هر یک از منطقه‏های پردازش‏ صادرات در ارتباط با بازیافت هزینه‏ها، نرخ ایجاد اشتغال،مولد بودن‏ سرمایه‏گذاری،سهم عملکرد این منطقه‏ها در خالص صادرات و همچنین خالص ارز دریافتی و نهایتا انواع سرمایه‏گذاری‏های‏ جذب شده در این منطقه‏ها بوده است. بدیهی است این موفقیت‏ها ممکن است‏ از طریق بهره‏های آموزشی در تکنولوژی‏ و فراگیری فنون و سایر اثرات مرتبط با توسعه صادرات کشور و همچنین اثر آن بر بازرگانی و سیاست حقوقی،شرایط محیطی و غیره نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. روشن است که این موفقیت‏ها را نمی‏توان به‏صورت کمی سنجید.از این‏ جهت گفته می‏شود میزان موفقیت‏ منطقه‏های پردازش صادرات تنها با تعداد و انواع سرمایه‏هائی که منطقه موفق به جذب‏ آن شده است،به اضافه اشتغال مستقیمی‏ که این منطقه‏ها ایجاد می‏کنند.

در گزارش بانک جهانی آمده است که‏ به‏طور مثال از 80 منطقه مورد مطالعه و بررسی حدود 40 تا 50 درصد آنها یعنی‏ 25 منطقه عنوان کرده‏اند که موفق بوده‏اند. حدود 20 تا 30 درصد منطقه‏ها در پاره‏ای‏ موارد تا حدودی موفق بوده‏اند و 30 درصد بقیه به‏کلی ناموفق بوده‏اند.

منطقه‏های پردازش صادرات ناموفق، به منطقه‏هائی گفته می‏شود که موفق به‏ جذب سرمایه نشده‏اند و بیشتر در کشورهائی که از سالهای 1970 به بعد یعنی زمانی که کشورها در حال تجربه‏ این منطقه‏ها بوده‏اند،ایجاد شده‏اند. کشورهائی که بیشترین مشکلات را در جذب سرمایه داشته‏اند و از وسعت کم، اشتغال ناقص،تسهیلات افراطی و عملکرد ضعیف صادرات در رنج بوده‏اند. افزون بر این باید توجه داشت که‏ منطقه‏های ناموفق بیشتر مکانهائی را در برداشته‏اند که از یارانه(سوبسید)زیاد و مستمر بهره جسته‏اند و یا آن که هزینه‏های‏ بسیار بالای خود را نتوانسته‏اند تأمین‏ کنند.

درحال حاضر حدود نیمی از منطقه‏های‏ پردازش صادرات،مربوط به آسیا،به‏ویژه‏ آسیای جنوب شرقی است.در منطقه‏های‏ پردازش صادرات آسیای جنوب شرقی 7 درصد صادرات و در جمهوری دومینیکن 21 درصد صادرات مربوط به منطقه‏های‏ پردازش صادرات می‏باشد.درحالیکه در افریقا هیچ منطقه موفقی که سهمی در این مورد داشته باشد وجود ندارد.در کارائیب و آمریکای لاتین نیز تنها 2 تا 4 منطقه پردازش صادرات موفق وجود دارد. -بررسی سرمایه‏گذاری‏های خارجی در منطقه‏های‏ پردازش صادرات حاکی از آنست‏که سرمایه‏گذاری این‏ شرکت‏ها بیش‏از آن که متوجه ارزانی نیروی کار باشد تابع استراتژی جهانی بارزگانی و سیاستهای بازرگانی‏ کشورهای میزبان بوده است.

در بررسی عملکرد منطقه‏های پردازش‏ صادرات مشاهده می‏شود که به‏استثنای‏ برخی نظام‏های اقتصادی آسیا که همه‏ منطقه‏های پردازش صادرات آنها دولتی‏ است،یا چند منطقه دولتی در ایالات‏ متحده آمریکا،عملکرد منطقه‏های‏ پردازش صادرات دولتی همه‏جا ناامید کننده بوده است.

بررسی نشان می‏دهد که موفقیت‏ منطقه‏های پردازش صادرات دولتی آسیا ناشی از مدیریت قابل انعطاف آنها می‏باشد.زیرا آنها همانند موسسات‏ بازرگانی خصوصی عمل می‏کنند و به‏ بیان دیگر به‏دنبال سود هرچه‏بیشتر می‏باشند.

نگاهی به کل تعداد 530 هزار نفر شاغلین در منطقه‏های پردازش صادرات‏ کشورهای درحال توسعه در سال 1990 نسبت به نیروی فعال این ممالک گویای‏ کمی سهم منطقه‏ها در کل اشتغال است. دستمزدها در این منطقه‏ها تقریبا برابر یا کمی بیشتر از دستمزدهای مربوط به‏ مشاغل مشابه در منطقه‏های مجاور است.

شرایط کار در این منطقه‏ها با وجود برخی گزارش‏ها در مورد نامطلوب بودن‏ ساعات کار و...به‏مراتب بهتر از شرایط کار در شرکت‏های مستقر در منطقه‏های‏ مجاور است.

باآن‏که قوانین کار در داخل و خارج این‏ منطقه‏ها تقریبا یکسان است اما اتحادیه‏های کارگری در منطقه‏ها کاربرد چندانی نداشته‏اند و اصولا موفق به‏ فعالیت در این منطقه‏ها نشده‏اند.

منطقه‏های پردازش صادرات در سال‏های‏ اول تاسیس به دلیل محصور بودن با بقیه‏ پیکره اقتصاد کشور به‏استثنای زیر ساخت‏ها و خدمات،پیوندهای محدود داشته‏اند و روشن است که این موضوع تا سال‏های زیاد ادامه خواهد داشت.

بااین‏حال باید توجه داشت که سهم‏ منطقه‏های پردازش صادرات برخی‏ کشورها در کل اشتغال صنعتی آنها بیش از 75 درصد است.مانند"ماکائو"و"جزیره‏ موریس‏"درحالی‏که این سهم در برخی‏ ممالک دیگر مانند:مالزی،سریلانکا و جمهوری دومینیکن حدود 10 تا 35 درصد است که البته سهمی فوق العاده بالاست. سهم متعادل منطقه‏های پردازش‏ صادرات در کل اشتغال صنعتی به‏طور کلی برابر 5 تا 6 درصد است.نمونه این‏ تعادل در کره به چشم می‏خورد.در برخی‏ ممالک این سهم فوق العاده پائین و کمتر از 5/1 درصد است،(مانند:فیلیپین،برزیل‏ و مصر)

در ارتباط با مالکیت موسسات منطقه‏های‏ پردازش صادرات،طبق بررسی طی دهه‏ی‏ 80 از کل تعداد منطقه‏های مذکور،به‏ ویژه کشورهای درحال توسعه که حدود 2000 مؤسسه شمارش شده،تعداد 555 مؤسسه تماما در مالکیت شرکت‏های‏ خارجی بوده است.

-بررسی سرمایه‏گذاری‏های خارجی‏ در منطقه‏های پردازش صادرات حاکی از آنست که سرمایه‏گذاری این شرکت‏ها بیش‏ازآن‏که متوجه ارزانی نیروی کار باشد تابع استراتژی جهانی بازرگانی و سیاستهای بازرگانی کشورهای میزبان‏ بوده است.

-بیشترین سرمایه‏گذاری‏هائی که از سوی یک کشور جهان سوم در منطقه‏های‏ پردازش صادرات کشورهای دیگر انجام‏ پذیرفته مربوط به هنگ‏کنگ است.

-یکی از ویژگی‏های منطقه‏های‏ پردازش صادرات وجود تمرکز بالای یک‏ صنعت در آنها می‏باشد.به‏طورمثال‏ در کره،مکزیک و مالزی تمرکز الکترونیک‏ به چشم می‏خورد،درحالی‏که در سریلانکا، موریس و دومینیکن تمرکز در منسوجات و پوشاک است.

نتایج به دست آمده از بررسی نقش‏ منطقه‏های آزاد در تسهیل و توسعهء بازرگانی بین المللی نشان می‏دهد که در سال 1989 حدود بیش از 20 درصد از کل‏ بازرگانی جهانی در منطقه‏های آزاد صورت‏ گرفته است.به عبارت دیگر منطقه‏های‏ آزاد توانسته‏اند بیش از 20 درصد از حجم‏ بازرگانی بین المللی را به خود اختصاص‏ داده،موجب رشد و افزایش آن گردند.

بهرحال اکنون چنانچه هدف ارائه‏ تصویری روشن از عملکرد منطقه‏های‏ آزاد به‏طور اعم و یکجا باشد باید متوجه‏ این معنا بود که ارائهء چنین تصویری به‏ تحقیق در حال حاضر حتی به‏طور نسبی‏ هم مقدور نخواهد بود،زیرا ازآنجاکه‏ موفقیت منطقه‏های آزاد در هر زمینه اعم‏ از جلب سرمایه‏های خارجی،ایجاد اشتغال، توسعه صادرات،عمران ناحیه‏ای،انتقال‏ تکنولوژی و نهایتا بهبود اقتصاد جهان‏ بستگی مستقیم با کم و کیف هریک از منطقه‏های آزاد دارد.لذا عملکرد آنها نیز در هر یک از زمینه‏ها متفاوت و متمایز از یکدیگر است.بنا بر این ارائهء تصویر مورد نظر اگر غیر مقدور نباشد به‏سادگی نیز انجام‏پذیر نخواهد بود.به بیان دیگر نتایج حاصل از بررسی گزارش‏های گوناگون‏ حاکی از آنست که منطقه‏های آزاد کشورهای پیشرفته،به‏ویژه‏"منطقه‏های‏ پردازش صاردات‏"،"بازرگانی‏"یا"صنعتی‏" آنها طی چند دههء گذشته با موقعیتی‏ چشم‏گیر روبه‏رو بوده و توانسته‏اند در افزایش تولید ملی این ممالک،به‏ویژه‏ موازنه پرداخت‏های خارجی آنها نقش‏ اساسی ایفا کنند.البته در مورد منطقه‏های‏ آزاد ایالات متحده کم یا بیش این نظر وجود دارد که این منطقه‏ها با رونق‏ بخشیدن به 2 دلار واردات در برابر یک‏ دلار صادرات موفق شده‏اند درهرحال باز هم در افزایش تولید ملی این کشور مؤثر واقع شوند.درحالی‏که همین منطقه‏های‏ آزاد به‏ویژه منطقه‏های پردازش صادرات‏ کشورهای جهان سوم‏ نتوانسته‏اند تمامی آنچه را در نظر داشته‏اند تأمین کنند و به‏طورکلی سهم اصلی‏ اثرات منطقه‏های آزاد بر تولید ملی این‏ ممالک هم‏چنان کم یا بیش متکی بر دستمزدهائی بوده است که پرداخت شده و نه بهره‏برداری از مواد اولیه.

-یکی از ویژگی‏های منطقه‏های پردازش صادرات‏ وجود تمرکز بالای یک صنعت در آنها می‏باشد.به‏طور مثال در کره،مکزیک و مالزی تمرکز الکترونیک‏ به چشم می‏خورد،درحالی‏که در سریلانکا،موریس و دومینیکن تمرکز در منسوجات و پوشاک است.

به نظر می‏رسد این ممالک حتی‏ نتوانسته‏اند آنچنان که باید با ایجاد "منطقه‏های آزاد"یا"منطقه‏های پردازش‏ صادرات‏"برای رشد و توسعهء اقتصادی‏ حتی محل استقرار خود اثرگذار باشند یا آنکه در حد معقول کار انتقال تکنولوژی را به انجام رسانده باشند.هرچند ممکن‏ است گهگاه درآمد ارزی یک کشور از این‏ طریق قابل ملاحظه بوده باشد،اما روشن‏ است که درهرحال اثر اقتصادی بیشتر در زمینه بازرگانی رخ داده است.

نگاهی به مندرجات آتی این بررسی‏ نشان می‏دهد که گسترش اندیشه ایجاد منطقه‏های آزاد مقوله‏ایست مربوط به‏ سالهای آخر دههء 60 و اوایل دههء 70،در واقع زمانی که کشورهای جهان سوم، استراتژی توسعهء صنعتی خود را باتوجه‏ به تفوق اندیشهء جایگزین کردن استراتژی‏ توسعهء صنعتی با توسعه صادرات تغییر دادند.و لذا تردید نیست که عملکرد منطقه‏های تجاری-صنعتی یا"پردازش‏ صادرات‏"در زمینه‏های متفاوت سالهای‏ دههء 70 و 80 را باید مورد بررسی و قضاوت قرار داد.دوره‏ای که رکود اقتصاد جهانی،بازرگانی بین المللی و بیکاری از جمله ویژگی‏های آن است.بنا بر این‏ روشن است که عملکرد منطقه‏هائی که در دوران رکود پا به عرصهء وجود نهاده‏اند، نمی‏توانند مانند عملکرد منطقه‏هائی‏ باشند که اندیشهء ایجاد آنها در دورهء پر رونق و مساعدی چونان دههء 50 و 60 سدهء میلادی،ایجاده شده‏اند.

نرخ رشد تعداد مشاغل ایجاد شده در منطقه‏های آزاد جهان،به‏ویژه در ممالک‏ جهان سوم طی سال‏های دههء 70 و 80 به ترتیب معادل سالانه 20 و 5/22 درصد بوده است.اما این نرخ بین سال‏های‏ 1975-86 که جهان از لحاظ اقتصادی در وضع دیگری به سر می‏برد سالانه حدود 9 درصد بوده است،یعنی حدود 25/1 میلیون شغل در این دوره ایجاد شده‏ است.1

در اینجا باید یادآور شد که سهم‏ مشاغل صنعتی در کشورهای پیشرو از لحاظ(منطقه‏های پردازش صادرات)در کل اشتغال،در همین دوره در سنگاپور بیش از 60 درصد بوده است،درحالیکه‏ رقم مذکور برای بیشتر سرزمین‏های‏ دریای کارائیب و به‏طورکلی آمریکای‏ لاتین بین 20 تا 30 درصد اعلام شده‏ است و برای جزیره موریس صددرصد بوده است.

عملکرد منطقه‏های آزاد مذکور نشان‏

-بیشترین سرمایه‏گذاری‏هائی که از سوی یک کشور جهان سوم در منطقه‏های پردازش صادرات کشورهای‏ دیگر انجام پذیرفته مربوط به هنگ‏کنگ است.

می‏دهد که با وجود افزایش چشمگیر نرخ‏ اشتغال در ممالک و سرزمین‏های میزبان، پیشرفت درخور توجهی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی این کشورها به‏ چشم نمی‏خورد.به‏نظر می‏رسد این عدم‏ پیشرفت و موفق نبودن در انتقال کار تکنولوژیکی بیشتر ناشی از آن است که‏ شغل‏های منطقه‏های پردازش صادرات یا اصولا منطقه‏های آزاد تجاری-صنعتی‏ به‏طورکلی از انواع شغل‏های غیر تخصصی و کاربر است که بیشتر توسط دختران و زنان جوانی صورت می‏گیرد که‏ بعد از یک یا دو سال کار خود را به جهات‏ فراوان رها می‏کنند و این واقعیت در هر سه حوزهء اصلی منطقه‏های آزاد،یعنی‏ خاور دور،خاورمیانه و حوزهء دریای‏ کارائیب به چشم می‏خورد.

افزون بر موضوع اشتغال،بهره‏مندی‏ کشور میزبان به نسبت برتری‏هائی که در رقابت با دیگر کشورها قائل می‏شود،روبه‏ کاهش است.سازمان‏های بین المللی مانند "انکتاد"،"یونیدو"و...با ملاحظه قوانین‏ مربوط به سرمایه‏گذاری و به‏طور کلی‏ سرمایه که در این ممالک هر روز به‏ مراتب آزادمنشانه‏تر می‏شود اظهار نگرانی کرده‏اند.

بهرحال از آنجا که عملکرد منطقه‏های‏ آزاد در مورد هریک از منطقه‏ها و ممالک‏ تا جائی که اطلاعات و آمار مربوط در دسترس بوده در بخش مربوط مذکور افتاده‏ است.بنا بر این صرف‏نظر از کلیاتی که در فوق به آنها اشاره شد در زیر عملکرد منطقه‏های آزاد در هر یک از قاره‏های‏ جهان را به‏گونه‏ای کلی و به اختصار مورد بررسی قرار می‏دهیم.

عملکرد منطقه‏های آزاد در قاره اروپا:

بررسی عملکرد منطقه‏ها و سرزمین‏های‏ آزاد اروپا،به‏ویژه منطقه‏های تجاری- صنعتی این قاره نشان می‏دهد که منطقه‏های‏ مذکور در قاره اروپا طی دوران حیات خود تاریخی بس پیچیده و پر از تحول را پشت‏سر گذرانده‏اند و در دوره‏ای از زمان‏ توانسته‏اند نقش عمده‏ای در توسعهء بازرگانی اروپا داشته باشند.عمده‏ترین و شاخص‏ترین نمونه این منطقه‏ها،منطقه پردازش‏ صادرات یا صنعتی-تجاری‏"شانون‏"در ایرلند است که شرح آن در بخش مربوط به‏ پراکنش منطقه‏های آزاد در جهان از نظر خواهد گذشت.اما لازم به تذکر است که‏ به‏عنوان عملکرد این منطقه می‏توان‏ یادآور شد که منطقه شانون با جلب‏ سرمایه و شرکت‏های خارجی،به‏ویژه‏ آمریکائی موفق شده است تا سال 1988 تعداد 2000 شرکت با 5000 کارگر و 2000 شاغل در امور فرودگاهی را در خود جای‏ دهد،ارقامی که در پایان سال 1991 به‏ حدود 10000 نفر بالغ شده است.

 عملکرد این منطقه‏ها که بیشتر مربوط به انبارهای آزاد گمرکی و منطقه‏های آزاد شرکتها می‏باشد در ممالکی چون آلمان، دانمارک،بریتانیای کبیر،بلژیک و...سبب‏ شده است تقریبا کلیه کشورهای اروپائی‏ باتوجه به نقش انبارهای آزاد،بیشتر مراکز بازرگانی خود را به انبارهای آزاد گمرکی مجهز سازند و برخی کشورها، حتی کشورهای مثلا دارای نظام اشتراکی‏ و اقتصاد متمرکز دولتی مانند مجارستان، لهستان،یوگسلاوی و در این اواخر رومانی‏ نیز برای بهره‏گیری از تسهیلاتی که این‏ منطقه‏ها در توسعه صادرات ایجاد می‏کنند دست به ایجاد چنین منطقه‏هائی بزنند.

افزون بر آنچه گفته شد"شورای اروپا" ( European Council )نیز باتوجه به‏ اثرات برخی از انواع منطقه‏های آزاد،به‏ ویژه منطقه شرکت‏ها،در زمینه ایجاد اشتغال و جلوگیری از رشد نرخ بیکاری‏ ضمن تحت قانون واحد قراردادن منطقه‏ های آزاد کشورهای عضو جامعه مشترک‏ اروپا،آنها را تشویق به ایجاد منطقه‏های‏ آزاد مشترک از جمله‏"منطقه اروپا"که‏ منطقه‏ایست واقع در مرز لوکزامبورگ، آلمان فرانسه بنماید.

عملکرد منطقه‏های‏ آزاد در قاره آمریکا:

به‏طورکلی عملکرد منطقه‏های آزاد در قارهء آمریکا دارای وجوه گوناگون و متفاوت‏ است.به‏طورمثال عملکرد منطقه‏های آزاد ایالات متحده،کاملا متمایز از منطقه آزاد پاناما(کولون)یا منطقه آزاد برزیل‏ (مانائوس)و یا اصولا منطقه‏های آزاد دریای کارائیب می‏باشد.درحالیکه‏ منطقه‏های آزاد ایالات متحده که‏ منطقه‏های تجارت خارجی نامیده‏ می‏شوند روزبه‏روز بر تعدادشان اضافه‏ می‏شود و تحت کنترل بیشتر و ساده‏تری‏ قرار می‏گیرند.ملاحظه می‏شود که‏ عملکرد منطقه آزاد"کولون‏"یا"مانائوس‏"برزیل رو به افول است.

اصولا عملکرد منطقه‏های آزاد کشورهای جهان سوم آمریکای مرکزی و جنوبی همانند این منطقه‏ها در آسیا می‏باشد و نتوانسته‏اند به آنچه در نظر داشتند دسترسی پیدا کنند.

بهر تقدیر برای ارائه عملکرد منطقه‏های آزاد قاره آمریکا به نظر می‏رسد بایستی به اختصار عملکرد "منطقه‏های تجارت خارجی‏"ایالات‏ متحده مورد اشاره قرار گیرد:

گفته شد که در طول دههء گذشته‏ بازرگانی بین المللی با نرخ رشدی به‏ مراتب بیشتر از نرخ رشد اقتصاد عمومی‏ رشد کرده است.در این دوران نقل و انتقال‏ کالا در داخل و خارج از ایالات متحده به 5 برابر افزایش یافته است.درحالیکه تولید ملی ایالات متحده آمریکا فقط سه برابر افزایش نشان می‏دهد.

در سال 1991 خدمات گمرکی ایالات‏ متحده تقریبا 238 میلیارد دلار واردات را مورد عمل قرار داده است.

خدمات گمرکی مذکور مربوط به نزدیک‏ به 90 میلیون اتومبیل،474 هزار هواپیما، 211 هزار کشتی حمل و نقل کالا(باری)و مسافری بوده است.این افزایش فاحش‏ در تجارت و فعالیت در مرزهای ایالات‏ متحده تأثیر مهمی در توسعه مفهوم‏ منطقه‏های آزاد تجاری در آمریکا داشته‏ است.هرچند نزدیک به حدود سی 30 درصد کالاهای معمولی که در طول سال‏ 1980 وارد آمریکا شده است کالاهائی‏ بوده است که از پرداخت گمرک و مالیات‏ معاف بوده‏اند.تقریبا 30 درصد دیگر آنها کالاهائی بودند که کمتر از 5 درصد حقوق‏ گمرکی به آنها تعلق گرفته است.درآمد گمرک در این مدت تقریبا 8 میلیارد دلار بوده است.باتوجه به این واقعیت که‏ بیشترین بخش این درآمد از طریق‏ فرآیند عمومی واردات که لازمهء آن‏ پرداخت فوری عوارض گمرکی به میزان‏ درصد تخمینی بوده به دست آمده،لازم‏ به تذکر است که به عنوان تعیین‏ جایگزین برای پرداخت بلافاصله عوارض‏ گمرکی در مورد کالاهای خارجی و به‏ هنگام ورود به خاک ایالات متحده،فرآیند ویژه‏ای برای به تأخیر انداختن این‏ پرداخت‏ها آماده شده است.فرآیندی که‏ پرداخت حقوق و عوارض گمرکی را به مدت‏ 5 سال بخشودگی عوارض تعرفه‏ای را در مورد کالاهائی که مجددا صادر می‏شود می‏تواند به تأخیر بیاندازد.

بهرحال براساس داده‏های وزارت‏ بازرگانی ایالات متحده آمریکا،طی‏ سالهای 1978 تا 1986 تعداد منطقه‏های‏ تجارت خارجی این کشور به ده برابر افزایش یافته است.عملکرد این‏ منطقه‏ها در همین دوره 23 برابر افزایش‏ نشان می‏دهد.درحالیکه شغل‏های این‏ منطقه‏ها نیز به حدود 36 برابر افزایش‏ یافته است،یعنی از 2000 شغل به‏ 72000 شغل.سرانجام،...با نگاهی به‏ آخرین آمار و ارقام و به بیان دیگر آمار مربوط به سال 1992،ملاحظه می‏شود که‏ این ارقام به 90 میلیارد دلار و 216000 شغل افزایش یافته است.

عملکرد منطقه‏های آزاد در قاره‏های آسیا و اقیانوسیه:

بررسی عملکرد منطقه‏های آزاد آسیا و اقیانوسیه نشان می‏دهد که منطقه‏های‏ آزاد خاور نزدیک و میانه با وجود فراهم‏ بودن امکانات لازم برای توسعهء این گونه‏ منطقه‏ها به دلائل بسیار از جمله فراهم‏ نبودن فضای باز اقتصادی،اجتماعی، ثبات سیاسی،امنیت و آرامش به هیچ‏ وجه از آنچه در مورد ایجاد این منطقه‏ها پیش‏بینی می‏شد،دست نیافته‏اند. عمده‏ترین نمونه‏های این عدم کامیابی را می‏توان در منطقه‏های آزاد قبرس،ترکیه،

در سال 1989 حدود بیش از 20 درصد از کل بازرگانی‏ جهانی در منطقه‏های آزاد صورت گرفته است.

اردن و...ملاحظه کرد.منطقه‏های آزادی‏ مانند جبل علی نیز که از کلیه امکانات‏ برخوردار است،به جهات بسیار در دراز مدت از نظر اقتصادی سرمایه‏گذاری‏ موجهی به نظر نمی‏رسد و لذا بی‏تردید با کوچکترین حرکتی از سوی ایران در جهت‏ توسعه بازرگانی خارجی با رکود اگرنه‏ مطلق اما نسبی مواجه خواهد شد.

منطقه‏های آزاد هند و پاکستان و بنگلادش و سریلانکا تنها موفق به ایجاد کار درحدی معین شده‏اند.این منطقه‏ها همواره با مسائل و مشکلات موجود در کشورهای جهان سوم روبرو بوده‏اند.از آن‏ جمله می‏توان به منطقه آزاد"کوشین‏"که‏ برای توسعه صادرات به روسیه ایجاده شده‏ بود و یا"کاندلا"و"سانتاکروز"اشاره کرد. منطقه‏های آزاد سریلانکا و بنگلادش با وجود برخوردار بودن از دستمزدهایی‏ فوق العاده پائین جز در مورد چند شرکت‏ تولید پوشاک که سرمایه‏های آنها کلا متعلق به شرکت‏های خارجی و به‏طور نمونه در مورد بنگلادش مربوط به ایتالیا و فرانسه است،در دیگر زمینه‏ها با موفقیت‏ چندانی روبرو نبوده‏اند.در این دو کشور نیز همانند سایر ممالک جهان سوم کنترل و اداره منطقه‏های آزاد در دست دولت است‏ که بیشترین کوشش آنها متوجه جلب‏ سرمایه‏های خارجی،ایجاد اشتغال و در نهایت مستهلک کردن سرمایه‏گذاری‏های‏ سنگینی است که برای آماده‏سازی‏ منطقه انجام داده‏اند.

بهرحال روشن است که برخی‏ منطقه‏های آزاد موفق،برخی ناموفق و میان موفق‏ها،برخی موفق‏ترند.موفق‏ ترین منطقه‏های آزاد آسیا مربوط به‏ منطقه‏های آزاد کشورهای صنعتی یا در آستانه صنعتی شدن مانند کره جنوبی، تایوان،سنگاپور و هنگ‏کنگ است. موفقیت این منطقه‏ها در زمینه تولید و توسعه درحدی‏است که این منطقه‏ها تا حدودی از انباشت سرمایه اشباع شده‏اند، دستمزدها درحد فوق العاده بالائی‏ افزایش یافته است و بدین ترتیب تردید نیست سرمایه‏های خارجی بیش‏ازپیش‏ به مبادی اصلی و یا سرزمین‏های‏ جدیدی که مزایای بیشتری ارائه دهند جاری خواهند شد.واقعیتی که هم‏اکنون‏ درحال وقوع است و گویی این منطقه‏ها را با رکودی ناشی از افزایش دستمزدها و به‏ طورکلی افزایش هزینه زندگی،تولید و اشباع سرمایه روبرو ساخته است.

نکته جالب توجه در زمینه عملکرد منطقه‏های آزاد،عملکرد منطقه‏های ویژه‏ اقتصادی و تکنولوژیکی چین است که‏ طی دههء گذشته بیش از سایر منطقه‏های‏ آزاد جهان سرزمین چین را قرین موفقیت‏ ساخته و در موارد مربوط در پراکنش‏ جغرافیائی منطقه‏های آزاد چین عنوان‏ خواهد شد.

عملکرد منطقه‏های آزاد در ایران:

در بررسی عملکرد منطقه‏های آزاد در ایران باید یادآور شد که به‏طورکلی هیچ‏ یک از منطقه‏هائی که در ایران عنوان‏ منطقه‏های آزاد را به خود اختصاص داده‏اند، اعم از جزیره کیش،بندر چابهار،جزیره‏ قشم یا انبارهای آزاد گمرکی سیرجان در انطباق با تعریفهائی که تاکنون جهان در مورد یکی از انواع منطقه‏های آزاد ارائه‏ شده،عملکرد مثبت نداشته‏اند.واقعیتی‏ که ناشی از نبود تعریفی سنجیده از منطقه‏های آزاد و قوانین و مقررات‏ چگونگی ایجاد و بهره‏برداری از این‏ منطقه‏ها می‏باشد.

در بین منطقه‏های سه‏گانه‏ای که‏ براساس قانون از سوی دولت به‏عنوان‏ منطقه‏های آزاد تجاری-صنعتی تعیین و هم‏اکنون هریک‏از آنها دارای سازمانی‏ مستقل می‏باشند،منطقه یا مرکز جهانگردی‏ کیش نخستین منطقه‏ای است که به این‏ عنوان مورد استفاده قرار گرفته است.با وجود آنکه منطقه آزاد کیش که درواقع‏ همان مرکز جهانگردی کیش است و طرح‏ ایجاد آن در سال 1351 توسط بانک‏ عمران-ملت کنونی-و با همکاری یک‏ شرکت فرانسوی به نام‏"مرکوری-گرافیت‏" آغاز شد و با صرف اعتباری به میزان‏ -/000/600/82 دلار در سال 1356 آماده‏ بهره‏برداری گردید،هرگز نه به‏عنوان یک‏ مرکز جهانگردی ارزآور و نه یک منطقه‏ آزاد تجاری-صنعتی مورد بهره‏برداری در معنای واقعی مربوط قرار نگرفت،در حالیکه مرکز جهانگردی کیش باتوجه به‏ موقعیت ویژه و جاذبه‏های مطلقا توریستی و منحصربه‏فرد آن در منطقه‏ می‏توانست به‏عنوان یکی از جاذب‏ترین‏ انواع گوناگون منطقه‏های آزاد مورد بهره‏برداری قرار گیرد.1.

فعالیت در جزیره قشم و بندر چابهار پس‏ازآن‏که از سوی دولت به‏عنوان‏ منطقه آزاد اعلام شدند،بدون آنکه قانون‏ چگونگی ایجاد،اداره و بهره‏برداری از منطقه‏های آزاد تهیه و به تصویب رسیده‏ باشد با ایجاد سازمانهائی مستقل آغاز شد.منطقه آزاد چابهار با اختصاص قطعه‏ زمینی وسیع و ساحلی و برپاکردن‏ فروشگاهی آزاد ظاهرا فعالیتهائی آغاز کرد.فعالیتهائی که به‏هیچ‏وجه ارتباطی با فعالیتهای مورد هدف برای منطقه‏های‏ آزاد ندارند.

منطقه آزاد قشم باآنکه به‏عنوان یک‏ منطقه آزاد تجاری-صنعتی اعلام شده‏ بود،به‏صورت یک منطقه ویژه اقتصادی‏ که درواقع مجموعه‏ای از منطقه‏های آزاد تجاری-صنعتی یا پردازش صادرات‏ می‏باشند فعالیت خود را آغاز کرد. "سازمان منطقه آزاد قشم با این تصور که‏ کل جزیره را برای ایجاد منطقه آزاد تجاری-صنعتی تحت حاکمیت دارد مذاکره با افراد و مؤسسات خصوصی داخلی‏ و خارجی را برای سرمایه‏گذاری در زمینه‏ طرحهائی گوناگون را آغاز کرد و طبق آمار و ارقام منتشره از سوی سازمان منطقه آزاد قشم برای سرمایه‏گذاری در زمینه‏های‏ گوناگون و ازجمله تولید مصالح ساختمانی، لوله و سازه‏های فلزی،ساخت شناورهای‏ صیادی-گارد و تفریحی،قطعات فولادی‏ و...با سرمایه‏ای درحدود -/000/000/855/40(چهل میلیارد و هشتصد و پنجاه و پنج میلیون)ریال‏ توافق و مجوزهای لازم اعطاء شد.جالب‏ اینکه در این دوره مهمترین اقداماتی که‏ در جزیره قشم بعمل آمد،اقداماتی‏ عمرانی ازقبیل ایجاد جاده،جنگلکاری، ایجاد بیمارستان،فرودگاه و...بوده‏ است.که در مجموع درخور توجه ویژه‏ است،هرچند ارتباطی به یک منطقه آزاد تجاری-صنعتی یا پردازش صادرات‏ ندارند.

در مورد انبارهای آزاد گمرکی سیرجان‏ نیز که درواقع نوعی از انواع منطقه‏های‏ آزاد می‏باشند لازم به یادآوری است که با وجود در اختیار داشن طرح جامع استفاده‏ درست و منطقی و تطبیق با طرح مربوط،از منطقه در انطباق با فلسفه وجودی اینگونه‏ مناطق بعمل نمی‏آید.

(1)-منطقه‏های آزاد از اندیشه تا عمل- ماهنامه مجلس و پژوهش.شماره 6 سال‏ اول بهمن و اسفند 1372-نوشته مؤلف

(2)-به همان مأخذ